



ارزیابی اعتبار نظریه کارشناس در محاکم کیفری

پدیدآورنده (ها) : حسینی خواه، نورالله؛ اورنگیان، غلامعلی

علوم اجتماعی :: نشریه کارآگاه :: پاییز ۱۳۹۲، سال ششم - شماره ۲۴ (علمی-ترویجی/ISC)

صفحات : از ۱۷۸ تا ۲۰۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1032394>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۴/۰۵/۰۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- نظریه کارشناسی در امور کیفری، «طریقت یا موضوعیت»
- علم قاضی و اصل تناظر
- رابطه علم دادرسی با دلایل قانونی اثبات دعاوی مدنی
- قلمرو دفاع ماهوی در دادرسی مدنی با نگرشی در حقوق تطبیقی
- بررسی تفاوت دیه زن و مرد در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن
- عقد ضمان و نقش آن در حقوق مدنی
- اصل آزادی انتقال قرارداد
- ماهیت، مبانی و آثار تضامن بین بدهکاران (تضامن منفی)
- دعاوی اضافی
- حق سرقتی در فروشگاه‌های مجازی
- خیار مجلس در قراردادهای الکترونیکی
- تحلیل اقتصادی و حقوقی اعتبار شرط کیفری (وجه التزام)

عناوین مشابه

- اعتبار شهادت در محاکم بین‌المللی کیفری
- ارزیابی اقرار در امور کیفری از منظر نظریه عقلانیت ماکس وبر
- تهافت رویه قضایی محاکم کیفری استان تهران در خصوص اعتبار رأی وحدت رویه شماره ۶۳۳
- شرایط تمسک به شهادت شهود و ارزیابی ارزش و اعتبار شهادت در امور کیفری
- ارزیابی فردی‌سازی الگوی رفاه در پاسخ‌دهی به جرایم اطفال و نوجوانان در رویه قضایی محاکم کیفری استان آذربایجان شرقی
- اعتبار امر مختوم کیفری در دعوی کیفری
- ویژگی‌های اعتبار امر قضاوت شده در امور کیفری نقدی بر قرار دادیار
- ادراک و اعتبار گرایی در نظریه‌های امنیتی
- نقد و اطلاع رسانی: نقد و ارزیابی نظریه کاریزمایی در تبیین رهبری امام خمینی
- بررسی و تدوین شاخص‌های ارزیابی کیفیت مقاله‌های علمی- پژوهشی در حوزه علوم انسانی مبتنی بر نظریه هنجارهای علم مرتون

ارزیابی اعتبار نظریه کارشناس در محاکم کیفری

نورالله حسینی خواه^۱، غلامعلی اورنگیان^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۹/۲۵

از صفحه ۱۷۸ تا ۲۰۳

چکیده

امروزه کارشناسی در کل زندگی روزمره انسان معاصر در رسیدگی‌های قضایی نقش برجسته‌تر و مهم‌تری را برعهده دارد. عامل آن از یک طرف، پیشرفت‌های علمی و صنعتی بشر است که راه‌هایی را به کشف واقع گشوده است که پیش از این در وهم نیز نمی‌گنجید. از جانب دیگر، زندگی نوین در جوامع پیچیده و صنعتی معاصر دشواری‌های خاص خود را دارد و مسائل پیچیده‌ای را مطرح می‌سازد که حل آنها نیاز به تخصص دارد. امروزه به دلیل پیچیدگی بیش از حد زندگی جوامع و نیز رشد علمی انسان و اختراع ابزارهای دقیق، نقش کارشناسی در امر قضا هر روز پررنگ‌تر می‌شود.

یکی از امارات مورد نظر که برای قاضی علم‌آور است نظریه کارشناس است؛ این علم تخصصی می‌تواند قاضی را در وصول به حقیقت رهنمون شود. کارشناسی در مسائل کیفری جایگاه مهمی دارد. پلیس علمی، پزشکی قانونی، کارشناس خط، کارشناس شیمی، کارشناسان حسابداری و خبره، کارشناس روانی، سم‌شناس، گزارش‌های روان‌شناسانه، کارشناسی تصادفات،

۱- دانشجوی دکتری جرم‌یابی و مدرس دانشگاه، نویسنده مسئول (n.hoseinikhah@live.com).

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد، واحد آیت‌الله آملی (mobin1251@yahoo.com).

مترجمان رسمی ابزارهایی در دست قاضی برای حصول علم هستند. جایگاه کارشناسی در ساختار ادله اثبات در نظام حقوقی اسلام در سایه علم قاضی قرار دارد و جزء امارات و قرائن قطعی و علم آور برای قاضی است.

در رسیدگی های قضایی نیز، نظریه کارشناس اهمیت فوق العاده ای یافته است، تا جایی که کمتر پرونده ای می توان یافت که در آن، نیاز به ارجاع به کارشناس، احساس نشود. از این رو شناخت صحیح مسائل مربوط به اعتبار نظر کارشناس، در اجرای عدالت نقش مؤثری دارد. ق.آ.د.م. و ق.آ.د.ک در زمینه نظرات کارشناسان و ارزش اثباتی آنها وضع شده است و برای سنجش اعتبار نظرات کارشناسان شرایطی را بیان کرده است. همه این قوانین نشان دهنده ارزش و اعتباری است که قانون گذار برای نظر کارشناسان قائل شده است. مراجع قضایی برای نظرات کارشناسی کارشناسان ارزش و اعتبار فراوانی قائل هستند تا آنجا که براساس آرای دیوان عالی کشور اگر دادگاهی بدون صلاحیت علمی و فنی، نظریه کارشناس را رد کند و رأساً اقدام به صدور رأی کند چنین رأیی ارزش قضایی نداشته و قابل ابطال است. تحقیقات میدانی و مصاحبه با قضات دادگاه ها و نیز بررسی آرای صادره، مؤید این نکته است که نظرات کارشناسی هر چند از لحاظ موازین قانونی (که متأثر از فقه است) با سایر ادله برابری نمی کند ولی در عمل از اعتبار بالاتری برخوردار است و بسیاری از مسائل لاینحل را حل کرده است.

واژگان کلیدی: نظریه کارشناسی، علم قاضی، ارزیابی، محاکمه کیفری

مقدمه

مهم ترین نگرانی بشریت در دنیای گذشته و در دنیای فعلی این است که چگونه انتساب جرم را احراز کنیم؟ بشریت همان گونه که می خواهد مرتکبین واقعی مجازات شوند و هیچ گنهکاری از مجازات در امان نباشد، به همان ترتیب هم به طریق اولی تر نمی خواهد هیچ بی گناهی به ناحق محکومیت پیدا کند. در این راستا بشریت سعی کرد گام های مهم و اساسی بردارد و شاید هیچ یک از موضوعات و مسائل حقوق جزا به اندازه راه های اثبات آن تکامل پیدا نکرده

است. بشریت شاهد تحول جزا است.

روند دادرسی به طور کلی به سه دسته تقسیم می شود؛ نخست تشخیص موضوع؛ دوم تطبیق موضوع با قانون و سوم صدور حکم خاص. تشخیص موضوع از وظایف دادگاه است؛ اما باید توجه داشت که در برخی موارد این تشخیص فنی و تخصصی است، قانون به اجبار یا به ضرورت مقرر داشته است که مرحله تشخیص موضوع به طور جزئی و کلی به کارشناس ارجاع می شود. مهم ترین مرحله دادرسی، تشخیص صحیح موضوع است که اگر این مرحله به درستی انجام نشود، حتی اگر تطبیق موضوع با قانون کاملاً صحیح باشد در مراحل بالاتر، حکم به دلیل عدم احراز صحیح موضوع نقض می شود.

با توجه به اینکه مجرمین از وسایل مهم و پیشرفته برای ارتکاب به جرم بهره می گیرند، بر قاضی است که با کمک اهل خبره برای تحقیق در خصوص جرم تلاش کند تا به حقیقت برسد و یکی از امارات مورد نظر که برای قاضی علم آور است، نظریه کارشناس است. این علم تخصصی می تواند قاضی را در وصول به حقیقت رهنمون شود. کارشناسی در مسائل کیفری جایگاه مهمی دارد. پلیس علمی، پزشکی قانونی، کارشناس خط، کارشناس شیمی، کارشناسان حسابداری و خبره، کارشناس روانی، سم شناس، گزارش های روان شناسانه، کارشناسی تصادفات، مترجمان رسمی ابزارهایی در دست قاضی برای حصول علم هستند.

در حقوق موضوعه معاصر تعداد جایگاه و ادله اثبات امر کیفری متفاوت است، از جمله نقش ادله که محصول داده های علمی است در حقوق موضوعه اهمیت فراوانی دارند برای مثال، در تعیین موضوعات و میزان آسیب های وارده شده، ارجاع به کارشناس (پزشکی قانونی و...) متداول بوده و رویه محاکم است. در این مورد قانون مجازات اسلامی نیز موادی اختصاص داده است؛ از جمله مواد ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۱، ۴۶۳ و ۴۶۹. بررسی این مواد نشان دهنده این واقعیت است که همه این موارد در همین چهارچوب، یعنی تعیین میزان آسیب براساس نظر کارشناسی است. البته رویه قضایی در ایران، ارجاع به کارشناسی فراتر از تعیین موضوع نیز می باشد. دستور شورای های قضایی که در ذیل ذکر می شود چنین عمومیتی دارد: هر چند در برخی از جرایم طریق اثبات دعوی در قانون ذکر شده است؛ لیکن چون این احراز باب طریقت

و حصول علم برای قاضی است و قاضی برای حصول قطع و یقین از هیچ نوع تحقیقی که علم را تحصیل کند منع نشده است؛ لذا در رسیدگی‌ها استفاده از طریق علمی کشف جرم را مورد غفلت قرار ندهند و از وسایلی که دانش بشری در این زمینه فراهم کرده است استفاده کنند (بخشنامه شماره ۱/۵۶۳/۳۰-۸۳/۱۳/۶) (طاهری مجد، ۱۳۸۳: ۳۱۸).

نظام قضایی ما از یک طرف در تعامل مبارزه با نظام بین‌المللی حقوق بشر است که اصل برائت و قانونی بودن روش‌های تحصیل دلیل نمونه‌هایی از این تعامل است و از طرف دیگر شدیداً تحت تأثیر آموزه‌های فقهی است که نمونه عینی آن دلیل مستقل ندانستن نظریه کارشناس است و نظریه کارشناس را در صورتی واجد اعتبار می‌داند که برای قاضی ایجاد علم کند. درواقع علم قاضی دلیل اصلی است و نظریه کارشناس از توابع آن به شمار می‌رود. ما در این تحقیق در ادبیات تحقیق به تبیین جایگاه کارشناسی در نظام قضایی و ساختار ادله اثبات و نیز مبانی حجیت نظر کارشناسی و در پایان به اعتبار نظر کارشناس در محاکم قضایی به انضمام الزامات و شرایط آن پرداخته و در بخش پژوهش میدانی با انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند و بررسی‌های اسنادی به ارزیابی میزان اعتبار نظریه کارشناسان خواهیم پرداخت.

بیان مسئله

امروزه کارشناسی در کل زندگی روزمره انسان معاصر در رسیدگی‌های قضایی نقش برجسته‌تر و مهم‌تری را برعهده دارد. عامل آن از یک طرف، پیشرفت‌های علمی و صنعتی بشر است که راه‌هایی را به کشف واقع گشوده است که پیش از این در وهم نیز نمی‌گنجید. از جانب دیگر، زندگی نوین در جوامع پیچیده و صنعتی معاصر دشواری‌های خاص خود را دارد و مسائل پیچیده‌ای را مطرح می‌سازد که حل آنها نیاز به تخصص دارد. امروزه به دلیل پیچیدگی بیش از حد زندگی جوامع و نیز رشد علمی انسان و اختراع ابزارهای دقیق، نقش کارشناسی در امر قضا هر روز پررنگ‌تر می‌شود. امروزه دیگر، جرایم ساده در جوامع اولیه کمتر مشاهده می‌شود. به موازات پیچیدگی جوامع، جرایم نیز به شدت پیچیده شده است، از این رو طبیعی است که قاضی در کشف واقع یک جرم و دعوی به نظر اصل خبره توجه کند و گرنه رسیدن

قاضی به واقع، دشوار یا ناممکن خواهد بود.

امروزه در پرونده‌های کیفری عموماً ارجاع به کارشناس امری رایج و متداول است؛ از تعیین میزان آسیب و جراحت در جرایم علیه اشخاص گرفته تا جرایم علیه عفت و جرایم جنسی و اختلاس در مؤسسات بزرگ و مانند آن.

رجوع به کارشناس، سابقه‌ای طولانی در زندگی اجتماعی انسان داشته است؛ اما در دوران معاصر، با پیشرفت علوم و فنون و تحولات سریع در زندگی اجتماعی و پیچیده شدن آن، اهمیت کارشناسی چندین برابر شده است. در رسیدگی‌های قضایی نیز، کارشناس اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است تا جایی که کمتر پرونده‌ای می‌توان یافت که در آن، نیاز به ارجاع به کارشناس، احساس نشود. از این رو شناخت صحیح مسائل مربوط به اعتبار نظر کارشناس، در اجرای عدالت نقش مؤثری دارد.

به علت فنی بودن موضوعاتی که به کارشناس ارجاع می‌شود و به خاطر ناآگاهی از آن موضوعات و آشنا نبودن کافی با آنها قاضی عملاً غیر از اعتماد بر نظر کارشناسان راهی ندارد و سرانجام حکم خود را بر نظر کارشناس مبتنی می‌سازد تا جایی که این گونه تلقی می‌شود که نظر کارشناس تعیین کننده حکم و سرنوشت پرونده است. وانگهی پیشرفت‌های علمی و صنعتی راه‌هایی برای کشف واقع در اختیار گذاشته که در گذشته وجود نداشته است. به عنوان مثال امروزه برای کشف جرم و شناسایی مجرم از انگشت‌نگاری و آزمایش‌های مختلف کمک گرفته می‌شود که نتایج آن اگر موجب علم قاضی می‌شود دست کم سبب اقناع وجدان او می‌شود. موارد استعلام از کارشناس در جایی است که یک سؤال تخصصی مطرح است و قاضی از پاسخ دادن به آن عاجز باشد؛ با این حساب، نظر کارشناسی مستقیماً نمی‌تواند مستند حکم دادگاه قرار گیرد؛ اگر این نظر برای قاضی علم ایجاد کند، حتماً باید به عنوان یکی از قرائن علم‌آور در رأی ذکر شود.

از آن جایی که کارشناسی یکی از دلایل اثبات جرم در نظام‌های قضایی معاصر است، در زمره ادله منصوصه اثبات جرم در نظام کیفری اسلام ذکر نشده است و با توجه به اینکه نظام کیفری، بعد از انقلاب اسلامی به شدت تحت تأثیر قواعد نظام کیفری اسلام قرار گرفته به همین دلیل

کارشناسی از عداد ادله اثبات خارج شد و از موجبات تحقق علم قاضی به شمار آمده و از این رو قانون گذار آیین دادرسی کیفری؛ الزام و اجباری در استفاده از نظریه کارشناسی یا قبول آن برای قضات وجود ندارد^۱ هر چند رویه موجود محاکم این گونه نیست. به هر حال هر چند نظریات کارشناسی می تواند برای قاضی راهنمای خوبی باشد ولی تصمیم گیرنده و بررسی کننده حجیت این نظرات شخص قاضی است.

لذا براساس مطالب فوق سؤالات تحقیق عبارتند از:

- ۱- ویژگی ها و شرایط قانونی نظریه کارشناسی برای استناد چیست؟
- ۲- میزان اعتبار نظریات کارشناسی در محاکم قضایی کشور چگونه است؟
- ۳- اعتبار و حجیت نظریه کارشناس در نظام کیفری ما چگونه است؟
- ۴- رویه محاکم کیفری ایران در استفاده از نظریه کارشناسی چگونه است؟

بنابراین فرضیه های تحقیق به شرح زیر است:

- ۱- به نظر می رسد با توجه به پیچیدگی مسائل و امور قضایی به ویژه کیفری و اهمیت استفاده از نظریات کارشناسی قانون گذار با درج ماده ۱۲۰ ق.م.ا به نوعی از مواضع نظام کیفری اسلام در جهت حل مسائل عدول کرده است؟
- ۲- با توجه به رویه محاکم قضایی در استفاده از نظریات به نظر می رسد نظرات کارشناسی از درجه اعتبار بالایی برخوردار باشند، به عبارت دیگر میزان اقتناع وجدانی قاضی در استفاده از نظرات کارشناسی مطلوب است.

۱. ماده ۸۳ ق.آ.د مقرر می دارد: «از اهل خبره هنگامی دعوت بعمل می آید که اظهار نظر از جهت علمی یا فنی و معلومات مخصوص لازم باشد از قبیل پزشک، داروساز، مهندس، ارزیاب، و دیگر صاحبان حرف چنانچه در جرایم مخل امنیت یا خلاف نظم عمومی اصل خبره بدون عذر موحد حضور نیابند و من به الکفایه هم نباشد به حکم قاضی جلب خواهد شد. در ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م نیز آمده است..... در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم و مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد.

ادبیات تحقیق

تعریف کارشناس

کارشناس کسی است که به مناسبت علم یا شغل یا کسب دارای معلومات و تشخیص لازم باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۹۸۸).

کارشناس در صورتی که دارای پروانه کارشناسی باشد کارشناس رسمی به شمار می آید. کارشناس با خبره مترداف است و خبره در لغت مصدر خبر است و در ادبیات عرب خبرت معنای علمته (دانستن) می دهد (ابن منظور، بی تا: ۲۲۴).

جایگاه کارشناسی در ساختار ادله اثبات

تقسیم بندی های زیادی برای ادله در امور کیفری ارائه شده است. معتبرترین تقسیم بندی ادله را به دو نوع ادله قانونی و ادله آزاد تقسیم کرده است. ادله قانونی ادله ای هستند که قانون مصرحاً آنها را دلیل بر امری قرار داده است و ادله آزاد. آنها بی هستند که بنابر نظر قاضی دلیل بر اثبات امری شناخته می شوند و برای وی علم آور تلقی می شوند. ادله قانونی با این تفسیر منحصر در اقرار، شهادت شهود، قسم و امارات قانونی می باشند و ادله آزاد و نیز منحصر در امارات قضایی است (دیانی، ۱۳۸۰: ۷).

در حقوق جزای ایران نیز نوع دیگری از تقسیم بندی دیده می شود که از حقوق اسلام ریشه گرفته است: ادله ای که برای اثبات جرایم مربوط به حق الله مثل حدود، مورد استفاده می گیرد و ادله ای که برای اثبات حقوق الناس استفاده می شوند مثل تعزیرات.

قانون مدنی در ماده ۱۲۵۸ ادله اثبات را پنج امر دانسته و قانون گذار جزایی نیز در بین مواد مختلف قانون جزا از ادله در قالب اقرار، شهادت شهود و قسامه و علم قاضی یاد کرده است. سه دلیل اول، ادله عمومی متداول هستند که در امور مدنی استفاده می شوند ولی علم قاضی که صریحاً در امور کیفری در نظر قرار گرفته، در مورد دیات و تعزیرات مطلقاً و در مورد حدود و قصاص نیز در مواردی که علم قاضی مصرحاً در قانون در ردیف ادله آمده باشد، قابل استناد

است. قانون آیین دادرسی مدنی نیز چند دلیل دیگر به ردیف ادله اضافه کرده است؛ این دو دلیل که در قالب همان اماره قضایی هستند عبارتند از: معاینه محل و تحقیق محلی وفق مواد ۲۴۸ تا ۲۵۶ و کارشناسی وفق مواد ۲۵۷ تا ۲۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی.

ادله و ادله اثبات با توجه به اینکه در مرحله دادرسی به کار می‌آورد معین آیین دادرسی در تحقق عدالت کیفری است؛ بنابراین ادله از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند.

بعضی از نویسندگان مجموع ادله مندرج در قانون را به سه عنوان کلی اصل، اماره و دلیل به معنای احض (بینه) تقسیم می‌کنند که تحت عنوان ادله موضوعی یا ادله اثبات دعوی مطرح هستند؛ با این توضیح که اگر در وجدان دادرس، علم عادی از طریق بینه شرعی وجود داشته است، دادرس طبق آن عمل می‌کند و علمی که بدین طریق برای قاضی پیدا می‌شود، حجت است ولی در هنگام نبودن چنین علمی، چنانچه ظنی در جان دادرس وجود داشته باشد، در صورتی که قانون‌گذار برای چنین ظن‌هایی اعتبار قائل شده باشد، دادرس موظف است طبق آن عمل کند یعنی مبنای حجت چنین حکمی، «کاشف بودن ظن از واقع به طور نوعی» است؛ البته، شارع نیز این نوع ظن را فقط در برخی موارد حجت دانسته است ولی اگر هیچ‌گونه دلیل و یا وجه راجح معتبری وجود نداشته و قاضی در مقام مطلق شک و تردید قرار گیرد، به اصولی (علمیه یا عقلیه) متوسل می‌شود که عملاً تکلیف قاضی و اصحاب دعوی را مشخص می‌کند (همان: ۷۲-۷۱). بنابراین از لحاظ رجحان و اولویت می‌توان ادله را به دلیل، اماره و اصول مرتب کرد. البته در علم قفه، به دلیل، به‌طور عام هم، اماره اطلاق می‌شود ولی اماره‌ای که در بحث ادله اثبات دعوی در ردیف دلایل به‌شمار آمده است، دلیل شرعی به معنای خاص نیست بلکه یک نوع «پیش‌فرض قانونی است».

مهم‌ترین دلیل اثبات دعوی، ایجاد اطمینان در وجدان قاضی و حصول یقین برای وی است. بحث درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت علم قاضی ناظر به عملی است که نسبت به ادله اثباتی مربوط به تحقق موضوعات متنازع فیه در عالم خارج مطرح می‌شود؛ زیرا قاضی باید بر اثبات امور موضوعی در عالم خارج به یقین رسیده باشد. این نوع علم نیز بر دو نوع است:

علمی که قاضی از خارج پرونده به دست می‌آورد؛ مثل اینکه شخصاً شاهد حادثه‌ای بوده یا

در اثر معاشرت خود با افراد جامعه متوجه واقعه‌ای شده باشد.

علمی که در اثر مطالعه پرونده و اوضاع و احوال و قرائن موجود در پرونده برای وی حاصل شود.

معمولاً مورد اختلاف ناظر به علم حاصل از عناصر خارج از پرونده است.

نکته مهم این است که منظور از علم قاضی، علمی است که طریقه متعارف برای حصول داشته باشد یعنی از طریقی به دست آمده باشد که مردم نوعاً از آن طریق تحصیل علم می‌کنند بنابراین رمل و اسطرلاب و سحر و جادو و تله‌پاتی فاقد دلیلیت است. علمی که از طریق اماره نظیر کارشناسی و امثال آن، چون نوعاً مفید علم است می‌تواند معتبر باشد. لذا قانون‌گذار مجازات اسلامی این موضوع را در ماده ۱۲۰ آورده است.

علم قاضی در امور مدنی در مرحله بررسی «دلیلیت دلیل» به کار می‌رود؛ ولی پس از اثبات دلیلیت دلیل، دیگر مجالی برای عدم تمسک به ادله باقی نمی‌ماند و قاضی باید طبق دلیل قانونی رأی دهد. در امور کیفری، علم قاضی مبنای حکم است و خود دلیل متقن و مستقل برای اثبات حق به شمار می‌رود؛ یعنی علم قاضی هم برای ارزش‌گذاری به دلیل و هم در مرحله حکم به عنوان مبنا و مستند آن به کار می‌آید. مشروعیت دلیل بسته به میزان اطمینانی است که برای قاضی به وجود می‌آورد. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: قاضی نمی‌تواند بر مبنای بینه‌ای که مخالف علم اوست رأی دهد یا به سوگند.

جایگاه کارشناسی در ساختار ادله اثبات در نظام حقوقی اسلام در سایه علم قاضی قرار دارد و جزء امارات و قرائن قطعی و علم‌آور برای قاضی است. در اینجا لازم است نکاتی چند راجع به قاضی و علت حجیت علم او و نیز موارد عدم حجیت آن ذکر شود.

در متون فقهی برای قضاوت شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته شده که علت حجیت علم قاضی را می‌تواند توجیه کند:

۱- قضاوت در زمان امام معصوم (ع) برعهده او یا نماینده است و در زمان غیبت، قضاوت جامع‌الشرایط نافذ است. امام خمینی در این زمینه می‌نویسد: قضا به معنی داوری و حکم کردن بین مردم به منظور برطرف کردن نزاع از بین آنان است با شرایطی که ذکر می‌شود،

این نصب از ناحیه خدای تعالی به پیامبر (ص) و در ناحیه آن جناب ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و از ناحیه آن حضرات به فقیهی که جامع شرایط باشد واگذار شده است (تحریر الوسيله، باب قضا).

۲- قضاوت کسی که مجتهد عادل و جامع شرایط فتوی نباشد حرام است (امام خمینی، همان).

۳- در قاضی چند شرط معتبر است: عقل، بلوغ، ایمان، عدالت، اجتهاد مطلق، مرد بودن، طهارت مولد (ولد زنا نبودن)، بنابر احتیاط از سایر علمای شهر و اطراف نزدیک آن اعلم باشد، بنابر احتیاط حافظه‌اش قوی باشد و فراموشی به او غالب نشود (امام خمینی، باب قضا، صفات قاضی، مسئله ۱). شهید اول و ثانی معتقدند تمام این شرایط در قاضی مطلقاً معتبر است مگر در قاضی تحکیم؛ منظور از قاضی تحکیم، فردی است که طرفین دعوی راضی به حکمیت او بین خود شده باشند (لطفی، ۱۳۸۱: ۱۲).

بنابراین می‌بینیم علت پافشاری فقها بر حجیت علم قاضی چیست، فردی که مجتهد جامع‌الشرایط و صاحب فتوی باشد آرا و نظرات او صائب و معتبر خواهد بود؛ اما می‌بینیم در شرایط حاضر وضعیت قضات چندان تطابقی با آرای نظرات فقها ندارد و در چنین شرایطی بازنگری در قوانین راجع به دلایل نظرات کارشناسان ضرورت پیدا می‌کند چرا که نمی‌شود یک طرف معادله تغییر کند ولی طرف دیگر تغییر نکند، در وضعیت فعلی که قضات مجتهد جامع‌الشرایط و صاحب فتوا نیستند دیگر دلیل استنادی برای حجیت مطلق علم آنان وجود ندارد؛ لذا باید نظرات کارشناسان در ساختار ادله اثبات دارای جایگاه مستقل شوند نه این که تابع نظر قاضی باشند.

علم قاضی با لحاظ شرایط سه‌گانه فوق دارای حجیت مطلق است. مطابق نظر مشهور فقهای امامیه علم قاضی هم در حق الله و هم در حق الناس حجیت دارد؛ اما در شرایط کنونی به سبب فقدان ویژگی‌های مذکور حجیت مطلق علم قاضی از بین رفته است و نظام علم قاضی با استثنائاتی مواجه شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- موارد غیر مصرح در قانون: مواردی در قانون وجود دارد که به علم قاضی به‌عنوان ادله

اثبات اشاره نشده است مانند قوادی، قذف و... .

- ۲- **موارد خاص و ویژه:** بعضی از تخلفات و جرایم فقط از طریق قاضی قابل اثبات بوده و در این موارد قاضی نمی‌تواند به هر دلیلی استناد کند. اکثر تخلفات رانندگی از این دسته‌اند. صورت مجلس یا گزارش‌های ضابطین در این موارد از اعتبار ویژه‌ای برخوردار هستند.
- ۳- **لزوم احترام به ادله قانونی:** قاضی باید همیشه ادله قانونی مندرج در قانون مدنی را محترم بشمارد (دیانی، ۱۳۸۶، ۲۴۲-۲۳۸).

مبنای حجیت نظر کارشناس در دعاوی

پیرامون ماهیت نظر کارشناس در دعاوی و جایگاه آن در ادله اثبات دعوا از نظام کیفری اسلام که نظام قضایی ما از آن تأثیرات زیادی گرفته است دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی وجود دارد که در اینجا به اهم آن اشاره می‌شود:

۱- کارشناسی وسیله‌ای برای رسیدن قاضی به علم

علم معتبر برای قاضی، علمی است که از طریق متعارف حاصل شده باشد و چنانچه این علم به وسیله گزارش و نظریه کارشناس حاصل شد حجت است. در این مبنای ملاک حجیت، علم‌آوری نظریه کارشناسی است از آنجایی که طبق نظر فقهای اسلام علم قاضی حجیت مطلق دارد، باز گذاشتن دست قضات برای تمسک به علم خود بدون هیچ‌گونه قید و شرط توالی فاسد بسیاری را به همراه دارد. از این رو قانون‌گذار برای جلوگیری از توالی فاسد، جواز تمسک قاضی را به علم خود با رعایت شرایطی مجاز می‌داند که یکی از آنها متعارف بودن طریق تحصیل علم است. علمی می‌تواند مستند رأی قاضی قرار گیرد که از طریق معمولی عرف در یک «ارزیابی نوعی» به دست آمده باشد در این مورد ماده ۱۲۰ ق.م.ا می‌گوید: «حاکم می‌تواند به علم خود که از طریق متعارف حاصل می‌شود استناد جوید» یکی از طرق نوعاً علم‌آور برای قاضی، نظریات کارشناسی است.

نکته مهم اینکه در دلیلیت علم در برخی موارد اختلاف نظر است. به عنوان مثال برخی علم را

در جرایم خاص (زنا، لواط، مساحقه) حجت نمی‌دانند (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۵۷) و یا برخی علم قاضی را در حق الله و حدودی که طرق اثباتش در شرع معین و منحصر به شهادت و اقرار، باشد که شرایط خاصه آنهاست، حجت ندانسته و انحصار ادله اثباتی را حجیت بر عدم علم قاضی در آنها می‌دانند (خزائی، بی تا: ۲۱) پس باید گفت در این مبنا هر جا که علم قاضی حجیت ندارد، (مثل حدود) حجیت نظر کارشناس سالبه به انتفای موضوع است.

۲- کارشناس به عنوان دلیل مستقل (حجیت خبر واحد)

همان گونه که پیش تر گفته شده در بین ادله اثباتی جرم در فقه، تأسی از نظر کارشناس (نظر اهل خبره) دیده نمی‌شود؛ اما بر اثر پیشرفت‌های علمی و فناوریانه بشر، امروزه قدرت اثباتی ادله علمی و نظر کارشناس تا حد زیادی اطمینان بخش است. در واقع می‌توان گفت قدرت اثباتی ادله علمی به‌ویژه نظر اهل خبره اگر بیشتر از ادله سنتی همچون اقرار و شهادت نباشد کمتر نخواهد بود. هر چند احتمال خطا در همه ادله اثباتی وجود دارد؛ ولی به این احتمال بعد از بررسی ادله براساس نظام ادله معنوی و احراز حجیت آن به‌وسیله قاضی اعتنا نمی‌شود. آنچه در اینجا لازم است بررسی شود نظام حاکم بر ادله اثبات جرم در نظام کیفری اسلام است؛ اگر نظام حاکم بر ادله اثبات جرم در نظام کیفری اسلام، نظام ادله قانونی باشد، دیگر واقع‌نمایی بعد از عدم ذکر آن در زمره ادله اثباتی نمی‌تواند به کارشناسی و ادله علمی اعتبار ببخشد به عکس اگر در نظام کیفری اسلام، نظام ادله معنوی باشد، در این صورت کارشناسی با وجود عدم ذکر در سلسله ادله باز هم معتبر است و قدرت اثباتی دارد. فرض سومی نیز وجود دارد و آن اینکه نظام ادله در نظام کیفری اسلام در برخی از جرایم، نظام ادله قانونی و در سایر موارد نظام ادله معنوی باشد. نظام حاکم بر ادله اثبات دعوای کیفری در فقه مورد بحث قرار نگرفته است؛ اگرچه برخی از حقوق دانان نظام کیفری اسلام و نظام قضایی جمهوری اسلامی را بررسی و تبیین کرده‌اند. در تبیین‌های انجام شده فرض سوم به اثبات رسیده است با این توضیح که نظام ادله در حدود، نظام ادله قانونی و در سایر جرایم مانند تعزیرات، نظام معنوی ادله حاکم است؛ بنابراین کارشناسی در اثبات جرایم حدی جایگاهی ندارد هر چند براساس

حکومت نظام معنوی ادله اثبات، در فقه کیفری اسلام در خارج از جرایم حدی می‌توان آن را به دلیل واقع‌نمایی‌اش حجت دانست.

۳- کارشناس به‌عنوان شهادت

بحث از ماهیت و مبنای کارشناسی و نظر اهل خبره در فقه یکی از مباحث عمیق است. این مسئله که آیا نظر کارشناس از باب شهادت است یا مبنای مستقل از آن دارد، دیدگاه‌های متفاوتی بین فقها وجود دارد. یک عده قائل به شهادت بودن نظر کارشناس هستند؛ این موضوع مستلزم دو چیز است؛ **اول** آنکه شرایط شاهد و تعدد آن در جرایم خاص در کارشناسی نیز شرط باشد؛ **دوم** آنکه کارشناسی نیز باید دارای ارزش اثباتی باشد. از روایات چنین به‌دست می‌آید که شهادت بر زنا مبتنی بر مشاهده است نه صرف علم؛ اما دیدگاه دوم برای شهادت مبنای حسی قائل است به دلیل آنکه کارشناسی فاقد منشأ حسی است و به‌جای آن تکیه بر حدس دارد متفاوت از شهادت است علاوه‌براین کارشناسی یک کار تخصصی است برخلاف شهادت که بیان دریافت حسی و عامیانه است. بر این اساس مبنای اعتبار و حجیت اهل خبره غیر از شهادت است و با توجه به آن، عدالت و تعدد را در کارشناسی شرط نمی‌دانند و تنها وثوق و اطمینان قاضی از عدم کذب کارشناس کافی است. با توجه به این ویژگی‌ها و مختصات نظر اهل خبره و کارشناس را نمی‌توان در مقوله شهادت گنجانند.

شرایط نظر کارشناس

صریح و روشن بودن

ماده ۲۶۲ قانون آیین دادرسی مدنی و تبصره ماده یک قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی بر لزوم صریح و روشن بودن نظر کارشناس و پزشک قانونی اشاره دارد و تأکید می‌کند که شرح مشهودات و معاینات باید مبتنی بر مدارک و ملاحظات علمی و آزمایشگاهی باشد. صریح بودن به این معناست که تمامی توضیحات لازم در خصوص کارشناسی به نحو روشن بیان شود و

نکته مبهمی باقی نماند. در صورت ابهام و اجمال نظر کارشناس، اعتبار آن مخدوش خواهد شد. نکته دیگر این که الفاظ و تعبیر مورد استفاده کارشناس باید برای قاضی قابل فهم باشد و در این صورت است که قاضی به ارزیابی نظر کارشناس و تعیین درجه اعتبار آن توانا خواهد بود؛ در آرای متعددی از دیوان عالی کشور نیز بر رأی دادگاه به خاطر مبهم یا مجمل بودن نظر کارشناس که مبنای صدور حکم بوده ایراد گرفته شده است.

(آرای شماره ۲۴/۵۸۹-۲۲/۸/۱۳۷۲/۷۱/۴۱۵/۲۱/۷۰۰/۸۹/۲۱۸ تاریخ ۷۱/۴/۳۱).

قاطع و منجر بودن

قاطع و منجر بودن به این معنا است که کارشناس باید در خصوص موضوع ارجاع شده با استفاده از تخصص و مهارت خود نتیجه نهایی را به طور مشخص به دست آورده، آن را به طور قاطع اعلام کند. چنانچه نظر قاطع نباشد دادگاه نمی تواند نظر او را مبنای صدور حکم قرار دهد. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۵۳۶۳-۶۴/۱۱/۱۵ اظهار داشته است: «در جراحات حارصه، دامیه، ملتحمه تا کسب نظر پزشک ولو برای چندین بار بلاشکال است؛ قاضی می تواند از پزشک بخواهد به طور مشخص نظر خود را اعلام دارد. در صورت عدم امکان تشخیص، اکتفا به قدر متیقن، با نظر دادگاه خواهد بود». (بازگیر، ۱۳۷۸: ۸۴).

موجه و مستدل بودن

از دیگر شروط نظریه کارشناس، مستدل و موجه بودن آن است و این امر بدین معناست که کارشناس، مستندات و مدارک و ادله نظر خود را و چگونگی استنباط و استخراج نتیجه به دست آورده را بیان کند. از این جهت نظر کارشناس شبیه رأی قاضی است. در صورتی که کارشناس، ادله و مستندات نظر خود و چگونگی استنباط و نتیجه گیری را بیان نکند؛ قاضی به ارزیابی صحیح نظر کارشناس قادر نخواهد بود.

مطابقت با قرار ارجاع

نظر کارشناس باید با قرار ارجاع منطبق باشد. لازمه منطبق بودن این است که؛ اولاً نظر محدود به مورد و موضوع ارجاع باشد و خارج از موضوع اظهار نظر نکرده باشد؛ ثانیاً در حدود و موضوع به تمام آنچه از او خواسته شده جواب کامل دهد.

عدم مخالفت با اوضاع و احوال

ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م مخالف نبودن نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی را مقرر و اعلام کرده است: «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد دادگاه به آن ترتیب اثر نخواهد داد». ماده ۹۳ ق.آ.د.ک نیز در صورت تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقع، قاضی را مکلف کرده است که نظر پزشک را نزد پزشکانی که تخصص بیشتری دارند، بفرستد و نظر آنان را جلب کند. منظور از اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، واقعیت‌های موجود در مورد کارشناسی است که تردید و شبهه‌ای در آن وجود ندارد. شرط مخالفت نبودن نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی، همان شرطی است که گاهی از آن به «لزوم معقول بودن» نظر کارشناس یاد می‌شود.

مستنبط از مفهوم مخالف ماده ۲۶۰ ق.آ.د.م. دادگاه زمانی حق رد نظریه کارشناسی را دارد که ثابت نماید نظریه مزبور با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه مطابقت ندارد؛ اما تا زمانی که نتواند به طور مستدل ادعای خویش را ثابت کند بنابر اصل اصالت الصحۃ عقیده کارشناس محکوم به صحت است. با وجود این، «در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، باز پرس نظر کارشناس را به نحو مستدل رد کرده، موضوع را به کارشناس دیگری ارجاع می‌دهد.» (ماده ۴۴-۱۲۴ لایحه جدید ق.آ.د.ک).

شرایط کارشناس یا موضوع کارشناسی

کارشناسی و موضوع کارشناسی نیز شرایطی دارند که در صورت تخلف از آن، نظر کارشناس

فاقد اعتبار می‌شود؛ به‌عنوان مثال لازم است که کارشناس مورد وثوق دادگاه باشد، در خصوص موضوعی که به او ارجاع می‌شود، تخصص و مهارت لازم را داشته باشد (ماده ۲۵۸ ق.آ.د.م). موضوع کارشناسی نیز لازم است از امور فنی و تخصصی باشد که شناخت آن به بررسی و اعلام نظر کارشناسی نیاز داشته باشد. براین اساس، در مواردی که جنبه فنی ندارد و فهم آن برای قاضی میسر است ارجاع به کارشناس، بی‌مورد است؛ علاوه‌براین امور حکمی پرونده، قابل ارجاع به کارشناسی نیست؛ بنابراین مورد کارشناسی باید در امور موضوعی پرونده که در صلاحیت انحصاری قاضی نیست دخالت کند.

جایگاه کارشناس و رجوع به وی در نظام قضایی

کارشناسان افراد صاحب‌نظر و متخصصی هستند که دارای جایگاه سازمانی رسمی در نهادهای عدالت کیفری نیستند؛ اما از آنجایی که مسائل و موضوعات تخصصی به آنان ارجاع می‌شود و این ارجاعات عموماً در مرحله دادرسی است و بنا به اراده قاضی و تقاضای او نظرات تخصصی خود را ابزار می‌دارند. با توجه به اینکه روند دادرسی در محاکم شامل سه مرحله است؛ مرحله اول تشخیص موضوع؛ دوم تطبیق موضوع با قانون و مرحله سوم صدور حکم خاص. تشخیص موضوع از وظایف دادگاه است که در برخی موارد این تشخیص فنی و تخصصی است. قانون به اجبار یا ضرورت مقرر داشته است که مرحله تشخیص موضوع به‌طور کلی و جزئی به کارشناس ارجاع شود؛ چون مهم‌ترین مرحله دادرسی، مرحله تشخیص صحیح موضوع است؛ بنابراین اهمیت کار کارشناس مضاعف خواهد شد اگر مرحله تشخیص به‌درستی انجام نشود، حتی اگر تطبیق موضوع با قانون کاملاً صحیح باشد، در مراحل بالاتر حکم به‌دلیل عدم احراز صحیح موضوع نقض می‌شود.

هر یک از اصحاب دعوی یا هر دو طرف پرونده و یا در هر موردی که به تشخیص دادگاه ارجاع امر به کارشناسی لازم تشخیص داده شود و ضروری باشد، دادگاه مبادرت به صدور قرار کارشناسی خواهد کرد. مقنن ضابطه‌ای برای تقاضای طرفین و یا صدور قرار کارشناسی به نظر دادگاه (رأساً) به‌طور مشخص و معین مقرر نکرده است. نباید تصور شود که دادرسی در صورت

لزوم و ضرورت ارجاع امر به کارشناسی مجاز است که قرار کارشناسی صادر نکند یا برعکس در مواقعی که ضرورتی به صدور قرار نباشد، اقدام به صدور آن کند. بدیهی است که در صورت اخیر باعث طولانی شدن دادرسی و مرتکب تخلف شده است و در فرض اول نیز پرونده ناقص و در مراحل بعدی به لحاظ نقص تحقیقات، نقض خواهد شد.

رای شماره ۳۱۴۵-۱۳۱۸/۱۲/۱۴ شعبه چهارم دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «در صورتی که برای تشخیص امر فنی خبرویت مخصوص لازم باشد، دادگاه باید به اهل فن و کارشناسی اقدام کند و خود متصدی آن نشود.» در مقابل این دیدگاه، نظر دیگری وجود دارد که معتقد است دادگاه در پذیرش تقاضای اصحاب دعوی مختار است، لذا اگر تأثیری در ارجاع امر به کارشناسی نبیند، الزامی به اجابت ندارد و می‌تواند از ارجاع امر به کارشناسی خودداری کند.^۱ بررسی آرای دیوان عالی کشور و رویه محاکم نشان‌دهنده گرایش آنها به ارجاع موضوعات تخصصی به کارشناس است. پیشرفت دانش فنی و پیچیده شدن اموری که در گذشته به سادگی قابل حل نبوده، توجیه‌کننده این امر است. از مفاد برخی از مواد مقررات کیفری نیز استنباط می‌شود که قانون‌گذار رجوع به کارشناسی را اجباری تلقی کرده و قاضی لزوماً باید از کارشناس دعوت به عمل آورد؛ مثلاً براساس ماده ۴۹۵ قانون مجازات اسلامی، قاضی در کلیه مواردی که برای آن ارزش تعیین منظور شده برای تقویم خسارت وارده و تعیین میزان ارزش باید از پزشک متخصص استعلام کند. همچنین دیوان عالی کشور آرای متعددی در زمینه اهمیت و لزوم رجوع به کارشناسی صادر کرده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت موارد ارجاع به کارشناس مواردی است که قاضی از تشخیص مصداق حکم ناتوان باشد. در این موارد از اهل خبره استمداد می‌طلبد؛ بنابراین کارشناسان افراد معین دادرسی به حساب می‌آیند که در جهت تحقق عدالت کیفری تلاش می‌کنند.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۱۶۷۳-۱۳۳۷/۷/۸؛ چون باتوجه به ماده ۴۴۴ ق.آ.د.م (ماده ۲۵۷ ق.آ.د.م، ۱۳۷۹) دادگاه ملزم به ارجاع امر به کارشناس نیست.

اعتبار نظر کارشناس در محاکم کیفری

ارجاع به کارشناس در پرونده کیفری به دو گونه است گاهی نظر کارشناس معطوف به تعیین میزان آسیب و امثال آن است که در آن به تعیین موضوع تعبیر می‌کنیم. در این فرض، نظر کارشناس برای اثبات اصل مجرمیت و استناد جرم به متهم اخذ نمی‌شود. ادله اثبات جرم ادله دیگری است؛ اما در تعیین میزان آسیب و علت فوت مجنی‌علیه و یا در تعیین مصادیقی همچون جنون و مانند آن به نظر کارشناس استناد می‌شود. ارجاع به کارشناسی فراتر از تعیین موضوع است و در بیشتر موارد احراز مجرمیت یا بی‌گناهی متهمان به سبب نظرات کارشناسان حوزه‌های مختلف است.

مواد ۲۵۷ تا ۲۶۵ ق.آ.د.م و مواد ۸۷، ۸۸، ۸۹ و ۹۳ ق.آ.د.ک در زمینه نظرات کارشناسان و ارزش اثباتی آنها وضع شده است و برای سنجش اعتبار نظرات کارشناسان شرایطی نظیر صریح و روشن بودن، قاطع و منجر بودن، موجه و مستدل بودن، مطابقت با قرار ارجاع، عدم مخالفت با اوضاع و احوال مورد کارشناسی و رعایت مهلت اعلام نظر بیان کرده است. همه این قوانین نشان‌دهنده ارزش و اعتباری است که قانون‌گذار برای نظر کارشناسان قائل شده است. در قوانین کشور ما، ماده‌ای که به‌طور قاعده و روشنی، چگونگی اعتبار نظر کارشناس را بیان کرده باشد، یافت نمی‌شود. یکی از استادان حقوق کشور در مورد ارزش اثباتی کارشناسی معتقد است که «در زمان ما کارشناسان رسمی زیر پوشش دادگاه انتظامی خاص خود هستند و نیز در بخش‌های گوناگون کارشناسی در جامعه تخصص متنوع و قابل ملاحظه به جهت پیشرفت فرهنگ بشری پدید آمده است. علاوه بر این کارشناسان سعی دارند که آبروی خود را در برابر دادگاهی که به آنان کار ارجاع می‌کند حفظ کنند و در نتیجه غالباً نظر کارشناس مطابق با واقع است.» (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۹۸).

مراجع قضایی برای نظرات کارشناسی کارشناسان ارزش و اعتبار فراوانی قائل هستند تا آنجا که اگر دادگاهی بدون صلاحیت علمی و فنی، نظریه کارشناس را رد کند و رأساً اقدام به صدور رأی نماید چنین رأیی ارزش قضایی نداشته و قابل ابطال است. در حکم شماره ۳۶۳۵۵-۱۳۴۴/۲/۱۶-شعبه دوم دیوان عالی کشور آمده است: «رد نظریه کارشناس مبنی بر

سرعت داشتن اتومبیل که منجر به قتل عمدی شده از طرف دادگاه خارج از وظیفه است چه رد نظر اشخاص خبره محتاج به داشتن معلومات فنی و تخصصی است و دادگاه نه خود چنین تخصصی داشته و نه با اتکا به اظهار نظر متخصصین دیگر اظهار نظر آنان را رد کرده است.»

رویه موجود در محاکم قضایی مؤید این است که هر چند نظر کارشناس در فقه و نظام کیفری به عنوان یکی از ادله اثبات (به نحو مستقل) ذکر نشده استفاده از نظرات کارشناسان علوم و فنون مختلف بسیاری از مسائل لاینحل و پیچیده و پر از ابهام را حل کرده است تاجایی که نظر حقوق دانان در تعارض بین اماره قانونی و قضایی (کارشناسی و...) قائل به مقدم بودن اماره قضایی شده اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۷۰).

ارزیابی نظر کارشناسی

در خصوص ارزیابی نظر کارشناسی اختیار وسیعی به قاضی داده شده است. مبنای این اختیار قاعده آزادی قاضی در ارزیابی ادله اثبات دعوا به منظور تحصیل قناعت وجدانی است. قاضی اختیار دارد به بررسی ادله پردازد تنها در صورتی که در نتیجه بررسی ها قناعت وجدانی حاصل کند، به آن ترتیب اثر می دهد و براساس آن حکم صادر می کند، در غیر این صورت، با بی اعتبار شناختن ادله از مبتنی کردن حکم خود بر آنها خودداری می کند.

همان گونه که پیش تر بیان شد کارشناسی در عداد ادله اثباتی، به شمار نرفته و در تابعیت علم قاضی قرار داد؛ بنابراین قاضی در ارزیابی آن آزاد است و تکلیفی در قبول نظریه کارشناس برای خود نمی بیند. قاضی براساس اختیار وسیع خود در بررسی ادله، به ارزیابی نظر کارشناسی می پردازد. در صورتی که نظر کارشناس را مطابق با واقع و صحیح، تشخیص دهد و شرایط اعتبار نظر را فراهم ببیند و ایراد و نقصی در آن ننشاند، به آن ترتیب اثر می دهد و آن را مبنای صدور حکم خود قرار می دهد، در غیر این صورت تصمیمی را که مناسب تشخیص دهد، اتخاذ می کند. همچنین قاضی اختیار دارد با رد نظر داشتن نظر کارشناس، براساس سایر ادله تصمیم گیری کند. در قوانین کشور ما، ماده ای که به طور قاعده و به روشنی، چگونگی اعتبار نظر کارشناس را بیان کرده باشد یافت نمی شود.

براساس ماده ۲۶۵ ق.آ.د.م قاضی مکلف به پذیرش نظر کارشناس نیست و اگر آن را با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابق نداند از ترتیب اثر دادن به آن خودداری می کند.

تحقیقات میدانی و اسنادی

در بخش تحقیقات میدانی و اسنادی با مراجعه به تعدادی از دادگاه های حقوقی و کیفری و دادسرا و مصاحبه با بازپرسان و قضات دادگاه و نیز کارشناسان رسمی دادگستری به ویژه در تخصص جعل و بررسی اسنادی پرونده ها نتایج تحقیقات به شرح زیر اعلام می شود:

۱- مصاحبه

مصاحبه شامل دو بخش است:

الف) مصاحبه با قضات و بازپرسان؛

ب) مصاحبه با کارشناسان.

مصاحبه با بازپرسان و قضات در چهارچوب سؤالات زیر انجام شد و قضات و بازپرسان محترم با فراغ و آرامش خاطر پاسخ لازم را ارائه کردند.

۱- آیا در مباحث تخصصی و فنی، موضوعات را با قرار کارشناسی به کارشناسان می نمایند یا خیر و آیا اعتقاد و التزامی به این امر دارند یا خیر؟

تمام قضات و بازپرسان به اتفاق اعتقاد داشته و دلیل را تخصصی شدن امور و پیچیدگی های موضوعات و نیز نداشتن تخصص فنی خود و عدم فرصت وح وصله عنوان کرده و همگی اعلام داشتند که موضوعات فنی و تخصصی از جمله جعل، تصادفات رانندگی و امور پزشکی قانونی و... را به کارشناسان و متخصصین امر ارجاع می دهند.

۲- تا چه حد نظرات کارشناسی را صائب دانسته و آن را در آرای خود مدنظر قرار می دهند؟ اکثر قضات و بازپرسان جز در موارد خاص نظرات کارشناسان را فنی دانسته و آن را در آرای

خود ملاک و معیار قرار می‌دهند و بعضاً در مواردی هم نظرات کارشناسان باعث قناعت وجدانی آنها نشده و این امر سبب ارجاع موضوع به هیئت‌های کارشناسی سه نفره یا پنج نفره می‌شود.

۳- در چه صورت نظرت کارشناسان را بلااثر دانسته و به آن ترتیب اثر نمی‌دهند، آیا موردی در این زمینه داشته‌اند؟ چگونگی اتخاذ تصمیم در این موارد را بیان فرمایید.

قضات و بازپرسان اعلام کردند که در طول خدمت موارد اندکی وجود داشته که نظر کارشناس را مردود و بلااثر دانسته‌اند و دلایل آن نیز عدم مطابقت با اوضاع و احوال مسلم قضیه یا عدم مطابقت با قرار ارجاع بوده است که می‌توان علت آن را عدم اشراف کارشناسان رسمی با مسائل و قواعد آن دانست. در این گونه موارد نظر کارشناس نقض و به کارشناسان دیگر ارجاع می‌شود.

۴- تا چه حد خود را مکلف به رعایت نظرات کارشناسان در آرای خود می‌دانید؟

اعلام داشتند با وجود اینکه قانون‌گذار تکلیف و الزامی در تبعیت از نظرات کارشناسان قائل نشده؛ ولی به لحاظ فنی بودن موضوعات و تخصص کارشناسان نظرات آنان را معتبر می‌دانیم و به آن ترتیب اثر می‌دهیم.

۵- موارد نقض یا ایرادات نظرات کارشناسان را چه می‌دانید؟

بعضاً ایراداتی در نظرات کارشناسان وجود دارد که می‌توان به اهم آن اشاره کرد:

- اجمال و اظهار نظر دوپهلو و غیر صریح؛
- پرداختن به بعضی موارد که با پرونده ارتباطی نداشته و با قرار صادره چندان مطابقتی ندارد؛
- عدم اشراف نسبت به مسائل و قواعد حقوقی به‌ویژه در تصادفات رانندگی و بعضاً اظهار نظر غیر حقوقی.

ب) مصاحبه با کارشناسان

با کارشناسان رسمی دادگستری به‌ویژه در تخصص جعل و اسلحه‌شناسی در رابطه با سؤالات فوق نیز مصاحبه شد که اکثراً اذعان داشتند نظرات کارشناسی آنان مورد پذیرش قضات محاکم قرار می‌گیرد و بعضاً نیز ایراداتی بر نظرات آنان وارد می‌کنند که در این راستا ایشان را احضار و توضیحات تکمیلی را اخذ می‌کنند و در نهایت مبادرت به صدور رأی می‌کنند.

۲- بررسی‌های اسنادی

با مراجعه به بایگانی شعبه‌های دادگاه‌های کیفری و حقوقی و ملاحظه محتویات پرونده‌ها، آرا و قرارهای صادره حکایت از اعتبار داشتن نظرات کارشناسان در محاکم کیفری و حقوقی به‌ویژه در موضوعات جعل دارد. شایان ذکر است در این رابطه ۳۰ پرونده بررسی شد.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول

با توجه به اینکه مطابق نظر فقها علم قاضی دارای حجیت مطلق است و علت این امر در جامع‌الشرایط و صاحب فتوا بودن قاضی در دیدگاه آنان است و در شرایط فعلی که قضات واجد این شرایط نیستند و از طرفی رجوع به کارشناسان مورد تأیید ائمه معصومین (علیهم السلام) و عقلای جامعه می‌باشد؛ لذا علم قاضی دارای حجیت مطلق نبوده و قانون‌گذار جهت حل مسائل پیچیده و فنی روز با درج ماده ۱۲۰ ق.م.ا. از مواضع نظام کیفری اسلام به نوعی عدول کرده است چون علم قاضی را مشروط به شرایطی نموده است؛ بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود.

فرضیه دوم

با توجه به مطابقت نظری تحقیق و تحقیقات میدانی و اسنادی انجام گرفته، اعتبار نظریه‌های کارشناسی کارشناسان رسمی دادگستری به‌ویژه در موضوع جعل بسیار بالا بوده به‌گونه‌ای که تبلور نظرات کارشناسان را می‌توان در پرونده‌ها ملاحظه کرد و کمتر پرونده‌ای می‌توان یافت

که قضات و بازپرسان در احکام و قرارهای خود از نظرات کارشناسان استفاده نکرده باشند؛ بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه کارشناسی در کل زندگی روزمره انسان معاصر در رسیدگی‌های قضایی نقش برجسته‌تر و مهم‌تری را برعهده دارد. عامل آن از یک طرف، پیشرفت‌های علمی و صنعتی بشر است که راه‌هایی را به کشف واقع گشوده است که پیش از این در وهم نیز نمی‌گنجید. از جانب دیگر، زندگی نوین در جوامع پیچیده و صنعتی معاصر دشواری‌های خاص خود را دارد و مسائل پیچیده‌ای را مطرح می‌سازد که حل آنها نیاز به تخصص دارد. امروزه به دلیل پیچیدگی بیش از حد زندگی جوامع و نیز رشد علمی انسان و اختراع ابزارهای دقیق، نقش کارشناسی در امر قضا هر روز پررنگ‌تر می‌شود. امروزه دیگر، جرایم ساده جوامع اولیه کمتر مشاهده می‌شود. به موازات پیچیدگی جوامع، جرایم نیز به شدت پیچیده شده است، از این رو طبیعی است که قاضی در کشف واقع یک جرم و دعوی به نظر اصل خبره توجه کند و گرنه رسیدن قاضی به واقع، دشوار یا ناممکن خواهد بود.

بررسی تاریخی رجوع به کارشناس سابقه‌ای طولانی در زندگی بشر داشته است و این امر نه تنها یک موضوع عقلی و بدیهی است بلکه سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) و اجماع نظرات فقها نیز آن را تأیید می‌کند و نمونه‌های فراوانی در آیات و روایات در زمینه رجوع به کارشناس وجود دارد که می‌توان به تعبیر تعیین خراس (به معنای تخمین و ظن و گمان) یا تعیین قاسم و عرفاالسوق (کارشناس امور بازاری) اشاره کرد.

امروزه در پرونده‌های کیفری عموماً ارجاع به کارشناس امری رایج و متداول است؛ از تعیین میزان آسیب و جراحت در جرایم علیه اشخاص گرفته تا جرایم علیه عفت و جرایم جنسی و اختلاس در مؤسسات بزرگ و مانند آن. در رسیدگی‌های قضایی نیز، کارشناس اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است تا جایی که کمتر پرونده‌ای می‌توان یافت که در آن، نیاز به ارجاع به کارشناس، احساس نشود. از این رو شناخت صحیح مسائل مربوط به اعتبار نظر کارشناس، در

اجرای عدالت نقش مؤثری دارد.

به علت فنی بودن موضوعاتی که به کارشناس ارجاع می شود و به خاطر آگاهی از آن موضوعات و آشنا نبودن کافی با آنها قاضی عملاً غیر از اعتماد بر نظر کارشناسان راهی ندارد و سرانجام حکم خود را بر نظر کارشناس مبتنی می سازد؛ تا جایی که این گونه تلقی می شود که نظر کارشناس تعیین کننده حکم و سرنوشت پرونده است. وانگهی پیشرفت های علمی و صنعتی راه هایی برای کشف واقع در اختیار گذاشته که در گذشته وجود نداشته است؛ به عنوان مثال امروزه برای کشف جرم و شناسایی مجرم از انگشت نگاری و آزمایش های مختلف کمک گرفته می شود که نتایج آن اگر موجب علم قاضی نمی شود دست کم سبب اقناع وجدان او می شود.

جایگاه کارشناسی در ساختار ادله اثبات نظام حقوقی اسلام در سایه علم قاضی قرار دارد و جزء امارات و قرائن قطعی و علم آور برای قاضی است. بر آیند نظرات فقها در باب علم قاضی این است که در حق الله و در حق الناس علم قاضی دارای حجیت مطلق است؛ اما برای قاضی شرایطی نظیر جامع الشرایط و صاحب فتوا بودن را ذکر کرده اند. بنابراین می بینیم علت پافشاری فقها بر حجیت علم قاضی چیست، فردی که مجتهد جامع الشرایط و صاحب فتوا باشد آرا و نظرات او صائب و معتبر خواهد بود؛ اما می بینیم در شرایط حاضر وضعیت قضات چندان تطابقی با آرای نظرات فقها ندارد و چنین شرایطی بازنگری در قوانین راجع به دلیلیت نظرات کارشناسان ضرورت پیدا می کند چرا که نمی شود یک طرف معادله تغییر کند ولی طرف دیگر تغییر نکند، در وضعیت فعلی که قضات مجتهد جامع الشرایط و صاحب فتوا نیستند، دیگر دلیل استنادی برای حجیت مطلق علم آنان وجود ندارد. لذا باید برای نظرات کارشناسی اعتبار بالاتری قائل شد. به زعم نگارنده قدرت اثباتی ادله علمی به ویژه نظریه کارشناسی کارشناسان اگر بیشتر از ادله قانونی مانند اقرار و شهادت شهود نباشد کمتر نخواهد بود. در شرایط کنونی به سبب فقدان ویژگی های مذکور حجیت مطلق علم قاضی از بین رفته است و نظام علم قاضی با استثنائاتی مواجه شده است.

مواد ۲۵۷ تا ۲۶۵ ق.آ.د.م و مواد ۸۷، ۸۸، ۸۹ و ۹۳ ق.آ.د.ک در زمینه نظرات کارشناسان

و ارزش اثباتی آنها وضع شده است و برای سنجش اعتبار نظرات کارشناسان شرایطی نظیر صریح و روشن بودن، قاطع و منجر بودن، موجه و مستدل بودن، مطابقت با قرار ارجاع، عدم مخالفت با اوضاع و احوال مورد کارشناسی و رعایت مهلت اعلام نظر بیان کرده است. همه این قوانین نشان دهنده ارزش و اعتباری است که قانون گذار برای نظر کارشناسان قائل شده است. مراجع قضایی برای نظرات کارشناسی کارشناسان ارزش و اعتبار فراوانی قائل هستند تا آنجا که براساس آرای دیوان عالی کشور اگر دادگاهی بدون صلاحیت علمی و فنی، نظریه کارشناس را رد کند و رأساً اقدام به صدور رأی نماید چنین رأیی ارزش قضایی نداشته و قابل ابطال است. در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران کارشناسی در عداد ادله اثباتی به شمار نرفته و در تابعیت علم قاضی قرار دارد؛ بنابراین قاضی در ارزیابی آن آزاد است و تکلیفی در قبول نظریه کارشناس برای خود نمی بیند. قاضی براساس اختیار وسیع خود در بررسی ادله، به ارزیابی نظر کارشناسی می پردازد. در صورتی که نظر کارشناس را مطابق با واقع و صحیح تشخیص دهد و شرایط اعتبار نظر را فراهم ببیند و ایراد و نقصی در آن نشناسد، به آن ترتیب اثر می دهد و آن را مبنای صدور حکم خود قرار می دهد، در غیر این صورت، تصمیمی که مناسب تشخیص دهد، اتخاذ می کند. همچنین قاضی اختیار دارد با رد نظر کارشناس، براساس سایر ادله تصمیم گیری کند. در قوانین کشور ما، ماده ای که به طور قاعده و به روشنی، چگونگی اعتبار نظر کارشناس را بیان کرده باشد یافت نمی شود.

در تحقیقات میدانی و مصاحبه با قضات دادگاه ها و نیز بررسی آرای صادره به این نتیجه رسیدیم هر چند نظرات کارشناسی از لحاظ موازن قانونی (که متأثر از فقه است) با سایر ادله برابری نمی کند ولی در عمل از اعتبار بالاتری برخوردار است و بسیاری از مسائل لاینحل را حل کرده است.

لذا با توجه به مطالب فوق پیشنهاد می شود:

- ۱- بازنگری در قوانین کیفری و مدنی در راستای ارتقای ارزش اثباتی نظریه کارشناس؛
- ۲- مکلف کردن قضات به ارجاع امور فنی به کارشناسان در متون و لوایح قانونی؛
- ۳- مکلف کردن قضات به ارائه استدلال فنی و حقوقی در صورت عدم پذیرش نظرات کارشناس (ماده ۱۲۴-۴۴ قانون آیین دادرسی در امور کیفری جدید).

منابع:

- امام خمینی، سید روح‌الله. تحریر الوسیله. ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. ج ۴، انتشارات دار.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن ابی‌الحسین. بی‌تا، لسان‌العرب. بیروت: دارالمعارف.
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۸). قانون مجازات در آیینہ آرای دیوان عالی کشور. انتشارات ققنوس.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. انتشارات گنج‌دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸). دایره‌المعارف علوم اسلامی قضایی. ج دوم، انتشارات گنج‌دانش.
- حسینی، میریوسف (۱۳۷۶). حجیت نظر کارشناس. مجله حقوقی و قضایی دادگستری. شماره ۳۵.
- خزائی، جواد (بی‌تا) اعتبار نظر کارشناس در فقه امامیه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- لطفی، اسدالله (۱۳۸۱). ترجمه: مباحث حقوقی شرح لمعد. انتشارات مجد.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۶). دلیل در امور کیفری و مدنی. انتشارات تدریس.
- طاهری مجد، محمدعلی (۱۳۸۳). تعیین رژیم دلیل کیفری در نظام قضایی ایران. انتشارات سمت.